

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شعر و شاعری به روایت فروغ فرخزاد

فاطمه رهائی

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی

Email: fateme.rahaee97@gmail.com

چکیده:

فروغ فرخزاد در طی سال‌های شاعری خود، علاوه بر آفرینش ادبی، به‌عنوان فردی روشنفکر در وادی ادبیات، نظرانی را پیرامون شعر و شاعری ارائه داد. چنین نظرانی را که گاه، نوآورانه می‌نمایند، می‌توان در بخش‌های مختلف دیوان اشعار و آثار منشور او (شامل مصاحبه‌ها و نامه‌ها) مشاهده کرد. ضمناً فروغ چند شعر معاصران خود را در کتاب *از نیما تا بعد: برگزیده‌ای از شعر معاصر ایران* گنجانده و به نوعی، سلیقه شعری خود را نمایان ساخت. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، سعی در بررسی موارد ذکر شده دارد. فرخزاد تعاریفی از شعر و شاعر ارائه می‌دهد و به ویژگی‌ها، محاسن و معایب شعر امروز واقف است. او از سویی دیگر، از اهمیت فراوان نوآوری‌ها، گذر از سنت و ایجاد توسع‌های زبانی و انعطاف‌های وزنی در اندیشه و آثارش سخن می‌گوید. فروغ در تلاش است تا دیدگاه‌های خود را در دیوان اشعارش نیز ادامه دهد و ارتباطی میان اندیشه‌هایش در عالم نظر، و قطعات شعری خویش برقرار سازد. او هم‌چنین، با بیان تأثیرات زبان، فرم و اندیشه شعری نیما، شاملو و دیگران بر آثار خود، نکاتی را پیرامون اشعار و تفکرات شاعران هم‌عصر خود مطرح می‌کند. در مجموع، می‌توان با مرور و طبقه‌بندی مباحث یاد شده، سعی در فهم منظومه فکری فروغ فرخزاد داشت.

کلمات کلیدی: شعر معاصر، شعر و شاعری، فروغ فرخزاد، نوآوری.

۱. مقدمه و هدف:

فروغ فرخزاد (۱۳۱۳-۱۳۴۵) توانست علی‌رغم حیات کوتاه، چند مرحله فعالیت ادبی را پشت سر بگذارد. شناخته‌شده‌ترین آثار فرخزاد را اشعار او تشکیل می‌دهند، اما علاوه بر آن‌ها، دستاوردهای دیگری نیز در حوزه نقاشی، داستان، نمایش و فیلم از او به جا مانده است.

فروغ در سال‌های شاعری خود پنج دفتر شعر سرود و خود را در جمع شاعران برجسته و روشنفکر معاصر قرار داد، اما او در فراسوی عالم شاعری خود، دارای نظرانی در باب شعر است که نیازمند تحلیل و طبقه‌بندی می‌نمایند. این دیدگاه‌ها را می‌توان از خلال آثار به‌جامانده از فروغ فرخزاد، مانند گفت‌وگوها، نامه‌ها و طرح او در منتخب شعر معاصر باز یافت. او نظرات پراکنده‌ای در باب شعر، مانند مضمون و محتوا،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زبان و موسیقی شعر امروز و ویژگی‌های شعر خویش ارائه می‌دهد و از شاعران معاصر و آثار ایشان، سخن به میان می‌آورد. ضمناً، با بررسی دیوان اشعار فروغ می‌توان به اشارات و تلقی‌های او از شعر دست یافت.

پژوهش پیش رو قصد دارد با طرح مباحث برجسته در حوزه آرای شعری فرخزاد، در وهله نخست، چنین دیدگاه‌هایی را به مخاطبان بازشناساند. هدف دیگر ما، آگاهی از این بحث است که میان آنچه فروغ فرخزاد در عالم نظر می‌گوید و آنچه در شعر خود به کار بسته، چه ارتباطی وجود دارد و نهایتاً در پی فهم این نکته هستیم که فروغ در باب مسائل مرتبط با شعر، چه ارجاعاتی به دیگر شاعران دارد و شعر شاعران معاصر خود را چگونه ارزیابی می‌کند.

۲. تئوری و پیشینه تحقیق:

با بررسی آثار به‌جامانده از فروغ فرخزاد، امکان دستیابی به باورهای شعری او وجود دارد. فرخزاد ارزش شایانی برای شعر قائل بوده است و از محتوا و مضمون، زبان و موسیقی شعر سخن گفته است. همچنین، ممکن است یکی از اهداف فروغ در صحبت پیرامون شعر، به نوعی، پاسخ‌گویی به انتقادات مطرح شده در خصوص شعر خود باشد. گویا فرخزاد توانسته است در عالم شعر نیز آرای خود را ادامه دهد. او شعر متعهدانه را برگزید و از ورود صمیمیت و صداقت به فضای شعر استقبال کرد. شاید بتوان این گونه گفت که اعتقاد فروغ به اهمیت وزن در شعر، مانع از انعطاف او در مواجهه با وزن نیست؛ بلکه او به وزنی مختص شعر امروز و متمایز از شعر کلاسیک باور دارد. فروغ فرخزاد شعر را از کلی‌گویی خارج کرد و اثر خود را بازتاب دردهای انسان ساخت؛ نکته‌ای که در دوره تحول فکری و شعری او شایان توجه است.

به نظر می‌رسد فرخزاد که در ابتدای کار، به حمیدی و نادرپور به عنوان دو الگوی شعری خود می‌نگریست، پس از آشنایی با شعر شاملو، راه دیگری را برگزید و نیما را سرمشق خود در مسائل تازه و زبان و فرم شعری قرار داد. دریافت فروغ از آرای نیما و کار شاعری‌اش، سبب تغییرات عمیق در شعر او گشت. می‌توان از مجموع اظهارنظرهای فروغ فرخزاد درباره کار دیگر شاعران، از جنبه‌ای انضمامی‌تر به دیدگاه‌های او در باب شعر و شاعری دست یافت. او از شاعران معاصر خود نام می‌برد و نوآوری‌ها و معایب شعر آنان را عنوان می‌کند.

تا پیش از این، آثاری به رشته تحریر درآمده‌اند که با مطالعه آن‌ها می‌توان به نکاتی در خصوص عقاید شعری فروغ فرخزاد دست یافت:

جاودانه فروغ فرخزاد (چاپ اول: ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ در جراید کشور و چاپ دوم: ۱۳۴۷، انتشارات مرجان) اثر امیر اسماعیلی و ابوالقاسم صدارت، شامل اشعار، نامه‌ها و سخنانی از فرخزاد و یادداشت‌هایی از دیگران است که گستردگی محتوایی خوبی از خود بر جای گذاشته است، اما در این کتاب، جای خالی بررسی و طبقه‌بندی آرای فروغ به چشم می‌آید. *فروغ فرخزاد: جاودانه زیستن، در اوج ماندن* (چاپ اول: ۱۳۷۲، انتشارات مروارید) شامل مطالبی از نامه‌ها، مصاحبه‌ها، مقالات و خاطرات فرخزاد است که گردآوری این اطلاعات بر عهده بهروز جلالی بوده است. او با هدفی مشابه، کوششی در انتشار *در غروب ابدی: زندگی‌نامه، مجموعه آثار منشور، مصاحبه‌ها و نامه‌های فروغ فرخزاد*

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(چاپ اول: ۱۳۷۶، انتشارات مروارید) نیز داشته است. تقریباً می‌توان گفت این دو کتاب، جنبه جمع‌آوری اسناد دارند و در آن‌ها، تحلیل خاصی در خصوص نظرات فروغ صورت نگرفته است. محمود مشرف آزاد تهرانی، موضوعاتی را از زندگی فروغ، در *پرشادخت شعر: زندگی و شعر فروغ فرخزاد* (چاپ اول: ۱۳۷۶، نشر ثالث) جمع‌آوری کرده است. او تحولات اندیشگانی فروغ را به قلم خویش بررسی کرده است و پس از آن، دو مصاحبه فروغ و سخن دیگران پیرامون این شاعر را نیز بر مطالب این کتاب افزوده است. این کتاب، گام مثبتی در جهت شناخت افکار فرخزاد است. «فروغ فرخزاد و شعر زنانه» (۱۳۸۰) نوشته علی شاملوبی، ابتدا به معرفی فروغ و بررسی تحولات زندگی و عوامل مؤثر بر روحیه او می‌پردازد، تأثیرپذیری فرخزاد از جریان‌های شعری و تأثیرگذاری‌های او بر آن‌ها را شرح می‌دهد و سپس، تحلیل‌هایی را در خصوص اشعار فروغ فرخزاد ارائه می‌دهد. مقاله‌ای نیز تحت عنوان «نگاه فروغ به شعر و اصول آن در آثار منشور، مصاحبه‌ها و نامه‌هایش» از شادی احمدی به نگارش درآمده است. او به اختصار، آرای فرخزاد را در حوزه شعر بیان کرده است، اما از نوآوری‌های فروغ چیزی نگفته است. این مقاله در شماره ۶۳ (پیاپی ۱۷۷) کتاب ماه ادبیات در تیر ۱۳۹۱ به چاپ رسید. مایکل هیلمن^۱ در کتاب *زنی تنها: زندگی و شعر فروغ فرخزاد* (چاپ اول: ۱۳۹۵، نشر هنوز) پس از ساعت‌ها مصاحبه و مکاتبه با اعضای خانواده، دوستان و همعصران فروغ، به نکاتی از سال‌های زندگی و شاعری او پی برده است و به دور از کلی‌گویی و ابهام، به بررسی دوره‌های شاعری فرخزاد، فرازوفرودهای زندگی شخصی و اجتماعی او و تحولات شعری‌اش پرداخته است. این اثر یکی از پرمعن‌ترین آثار در حوزه شناخت افکار و شعر فرخزاد است و جزئیات گوناگونی را از حیات فروغ دربردارد؛ البته بهتر بود که در این کتاب، توجه بیشتری به ابتکارات فروغ در زبان و وزن شعر، طرح او در برگزیده شعر امروز و سخنان او در باب معاصرانش شود. مقاله «تلقی‌های بوطیقای فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی؛ متنی و فرامتنی» به قلم پارسا یعقوبی جنبه‌سرایبی و دیگران، اشاراتی به دیدگاه‌های شعری این دو شاعر معاصر دارد و مقایسه‌ای بین این موارد برقرار می‌سازد. نویسندگان این مقاله به مرور اظهارات فروغ در خصوص ماهیت شعر و شاعر و عناصر گوناگون شعر، همچون مضمون، موسیقی و قالب پرداخته‌اند و او را واجد بوطیقای گسست‌محور (نسبت به سنت) قلمداد کرده‌اند. مقاله ذکر شده، در شماره ۱ (پیاپی ۳۹) مجله شعرپژوهی (بوستان ادب) در بهار ۱۳۹۸ به چاپ رسید.

با توجه به مباحث ذکر شده، طبقه‌بندی خاصی در مورد آرای شعری فرخزاد صورت نگرفته است؛ به همین دلیل، پژوهش ما سعی دارد به سامان‌دهی این دیدگاه‌های پراکنده بپردازد و رابطه‌ای میان عقاید شعری فروغ فرخزاد و سرودن اشعارش برقرار کند.

۳. مواد و روش‌ها:

اطلاعات مربوط به این پژوهش، با ابزار مطالعه کتابخانه‌ای و با استفاده از کتاب‌ها و مقاله‌های فارسی و انگلیسی جمع‌آوری می‌شوند. بررسی موضوع نیز به صورت توصیفی-تحلیلی است. روش کار بدین صورت است که منابع گوناگون پیرامون آرای فروغ را در خصوص شعر و

^۱ Hillmann, Michael Craig

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شاعری مطالعه می‌کنیم و پس از فیش‌برداری‌ها، با استناد به نمونه‌های شعری، به دسته‌بندی و تحلیل این مطالب دست می‌یابیم. فروغ فرخزاد در گفت‌وگوها و نامه‌های خود، نظراتی پیرامون شعر ارائه می‌دهد که بررسی آن‌ها، شایان توجه است. او همچنین در دیوان اشعار خود اشاراتی به کارکردهای شعر و دلایل سرایش آن دارد و در کتاب *از نیما تا بعد: برگزیده‌ای از شعر امروز ایران* نیز، گلچینی از اشعار معاصر را به سلیقه خود فراهم آورده است.

۴. نتایج و بحث:

دیدگاه‌های شعری فروغ فرخزاد، با بررسی آثار مثنوی و منظوم او قابل استنباط هستند. این موارد در پژوهش پیش رو، در چهار قسمت ارائه می‌شوند.

۱.۴. تعریف فروغ از شعر و شاعر:

فروغ شعر را اثری هنری و حسی تجربه‌شده می‌داند که به ترتیبی بیان می‌شود. او اعتقاد بسیاری به تجربه‌ها و آزمون و خطا دارد و حاصل آن را دست‌یابی به نوعی سبک شعری می‌شمارد. او سبک را نیز نحوه بیان و ارائه یک اندیشه یا حس شاعرانه قلمداد می‌کند و آثاری با مشخصه‌های نزدیک به هم را در یک گروه سبکی قرار می‌دهد [۹]. شعر از نظر فروغ فرخزاد، پنجره‌ای برای ارتباط با هستی و با وجود است. او برخی از اشعار دیگران را، مثل درهای بسته، و برخی از آثار را فاقد چهارچوب می‌داند. از نظر او، در شعرهای بدون چهارچوب، نوعی آمیختگی صادقانه با طبیعت، انسان، زیبایی و ... و نوعی نگاه همراه با آگاهی وجود دارد. شعر از دید فرخزاد، آموزش‌دهنده تفکر و احساس به ما، یا حاصل نگاه و فکر آزموده است؛ در واقع، کار هنری به باور او، همراه با آگاهی نسبت به زندگی و وجود است و این احتیاج به آگاهی، انسان را به تفکر وامی‌دارد [۹]. فروغ اعتقاد دارد که شعر مثل هر هنر دیگری، نوعی بیان کردن و آفرینش مجدد زندگی است و از آنجا که زندگی در سکون و ثبات، آرام نمی‌گیرد و هر لحظه امکان تغییر وجهی از وجوه حیات وجود دارد، شعر نیز باید هماهنگ با ماهیت تغییرپذیر زندگی باشد [۱۳].

شاعر از نظر فرخزاد، فردی است که پس از تجربه‌ها و نتیجه‌گیری‌ها، نظری راجع به مسائل زندگی و مسائل خود پیدا می‌کند؛ یعنی کسی که به نوعی، فیلسوف می‌شود [۱۱]. او هنرمند و شاعر را کسی می‌داند که اگر قصد دارد به تمام موجودیت خود دست یابد، خود را در برابر هنر تسلیم می‌کند [۱۳]؛ چنین فردی، خود را در اثر تجربه‌ها، جست‌وجوها و آزمون‌ها می‌سازد، آنگاه از خویش بیرون می‌آید و مثل یک واحد از هستی و وجود، به خود می‌نگرد. این گونه است که هنرمند می‌تواند به تمام دریافته‌ها، فکرها و حس‌هایش عمومیت ببخشد [۹]. فروغ اعتقاد دارد که هر شاعری به طور کلی از میزانی از ذخیره‌های فکری و روحی برخوردار است، اما شاعری که بتواند از این ذخیره‌های خود استفاده کند، قادر خواهد بود که سرنوشت شعر ما را مشخص سازد و آن را به کمال برساند [۱۳].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲.۴. شعر امروز به بیان فروغ:

فروغ فرخزاد پس از تعریف یاد شده، به بحث شعر امروز می‌پردازد و از نظر او، شعری که امروز تحت عنوان شعر نو وجود دارد، تنها شکل اصیل و صادق در زمان ما است و بی‌آنکه خواننده را فریب دهد، از زبان و واژگان بهره می‌گیرد تا انعکاسی از زندگی و جوانب گوناگون آن باشد. چیزی که فروغ از علاقه‌مندان به شعر و صاحب‌نظران این حوزه می‌خواهد، دقت در اشعار، پرورش توانایی‌ها، نشان دادن ضعف‌ها و آفرینش هدف، اندیشه و مسیر سالم برای این آثار است [۱۳]. به نظر او آنچه که در شعر امروز مهم است، این است که بتواند با صمیمیت، با حساسیت نسبت به زندگی و بدون دروغ، مسائل را مطرح کند. اهمیت آن در همین شعر بودن است و تفاوتی ندارد که برای بیان مسائل، مثلاً قالب غزل را برگزینیم یا قالب نوین را. به نظر فرخزاد، تقسیم شعر به نو و کهنه، بی‌ارزش است و دلالت بر عدم درک مفهوم واقعی کلمه شعر دارد. او شعر را چیزی می‌داند که با وجود تمام مخالفت‌ها و موافقت‌ها، به افراد ثابت می‌کند که ایجاد شده است و به راه خود ادامه می‌دهد. در تعریف او، سخنی از شعر نو و یا قالب‌های سنتی شعر به میان نیامده است و همین امر، نشان‌دهنده وجه مشترک میان تمامی اشعار است [۱۳].

نکته دیگری که فروغ فرخزاد عنوان می‌کند، این است که نباید هنگام سنجش ارزش کار ادبی، جنسیت مطرح باشد. طبیعی است که شاعر زن، با روحیات و احساسات زنانه، شعری بگوید که مقداری حالت زنانه داشته باشد، اما نظر فروغ این است که اگر بخواهیم جنسیت را حدی برای هنر قرار دهیم، به منزله توقف است. شاید یکی از دلایل رکود فضای ادبی، حکومت یک جنس بر محیط شعری و تنگ کردن عرصه بر جنس دیگر باشد. او تمایل دارد دید جنسیت‌زده به کنار رود و تصریح می‌کند که فارغ از مرد یا زن بودن، آنچه برای شاعر مهم است، پرورش ویژگی‌های مثبت وجودی و نیل به ارزش‌های انسانی خویش است. اگر این پرورش موفقیت‌آمیز باشد، شعر دیگر به سازنده تعلق ندارد و مربوط به دنیای شعر می‌شود؛ خواه آفریننده این شعر، مرد باشد و خواه، زن [۹].

۱.۲.۴. انتقاد فروغ از شعر امروز:

استقلال شاعر اهمیت بسیاری نزد فروغ دارد و به عقیده او، یکی از مهم‌ترین عیب‌های شعر امروز این است که به جای آنکه به موجودیت خود ایمان داشته باشد، متکی به تأیید دیگران است و فضای خودخواهی، تنبلی، بی‌سواد و کوتاه‌فکری بر آن حاکم است. شاعر امروز با توسل به دیگران، احساساتی پوک و تصنعی را بیان می‌کند. چنین کاری، گزارشی نادرست از اضطراب‌ها، آرزوها، حسرت‌ها و بیماری‌های جامعه است. فروغ فرخزاد اعتقاد دارد شعر امروز باید از خفقان بگوید، اما در عوض، ترس، شرم و ملاحظه‌کاری، آن را فراگرفته است. شاعر امروز قصد طغیان و شورش علیه فساد و انحطاط جامعه ندارد و رسالت خود را تنها در این می‌بیند که درد را به صورتی مردم‌فریبانه و قشری، در شعر خود بگنجانند. چنین شاعری ترجیح می‌دهد شهرت و عنوان شاعری داشته باشد، اما رسالتی اجتماعی را بر عهده نگیرد. شاعر امروز یا حقیقتاً درد بزرگی ندارد و یا آن را احساس نمی‌کند؛ پس به بزک کردن حقاقت‌ها و ضعف‌های خود می‌پردازد و از بیان درد خود عاجز می‌ماند. گویا برای شعر امروز، آسان‌تر آن است که فارغ از تعمق در دردها و اضطراب‌ها، بیانی ظاهری از وضع جامعه داشته باشد و یا اصلاً چشمان خود را بر آن ببندد [۱۳].

۲.۲.۴. محتوای شعر امروز:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

محتوای شعر امروز، که به باور فرخزاد، مهم‌ترین جنبه آن است، جز در خصوص مسائل منفی، چندان امیدبخش نیست و حرفی برای گفتن ندارد. شعر امروز از کلی‌گویی خارج و به جوهر شعری نزدیک‌تر شده است، اما حاوی محتوای تصنعی و غیر صمیمی است. اشعار امروز در ذهن فروغ، فاقد اندیشه و عمق هوشیارانه است و به مرده‌ای می‌ماند که جوشش و درخشش حیاتش، جای خود را به خلأ و سکون سپرده است» [۱۳]. فروغ فرخزاد، نیما را مثال می‌زند و شعر او را دارای فضا و دنیای حسی و فکری می‌داند. در طرف مقابل، اعتقاد دارد که اغلب اشعار امروزی تصاویر زیبایی دارند، اما بی‌هدف هستند و حرف، درد و منظور شاعر در شعر دیده نمی‌شود. فروغ به درستی اظهار می‌کند که اکثریت شاعران امروزی طرز تلقی صحیحی از مفهوم شعر امروز ندارند. کار هنر صرفاً تصویرسازی نیست؛ بلکه باید از این تصاویر، در جهت بیان یک دنیای حسی بهره گرفت و شعری به معنای واقعی آن، سرود [۹].

اشکالی اساسی که فرخزاد بر محتوای شعر امروز وارد می‌کند، حضور کم‌رنگ صمیمیت و صداقت در آن است. به باور او، اگر نیما، اخوان و شاملو را که اشعاری آکنده از دریافت و احساس عمیق از وضع اجتماعی دارند، کنار بگذاریم، شاعران امروز صاحب آثاری متکلفانه و تصنعی هستند. همدردی، تنها در قشری سطحی از کلمات ایشان وجود دارد و در عمق مفاهیم، خبری از حس و دردهای انسانی نیست. این گونه است که چنین آثاری، عمری طولانی نخواهند داشت و به محض دگرگونی شرایط سیاسی، چنین آثاری به همراه آفرینندگان خویش، به دست فراموشی سپرده می‌شوند. گویا این آثار، پیوندی با حقایق اجتماعی ندارند و یا اگر ارتباطی هم وجود دارد، بسیار سست و کودکانه است [۱۳].

۳.۲.۴. زبان شعر امروز:

فروغ فرخزاد دغدغه‌ای اساسی را مطرح و تصریح می‌کند که زبان شعر امروز، دروغ‌گو و ملاحظه‌کار است و نمی‌تواند در بیان احساسات، از امکانات وسیع خود استفاده کند. او اعتقاد دارد که شعر امروز، از میان کلمات با معانی مشابه، زیباترین و خوش‌آهنگ‌ترین واژگان را انتخاب می‌کند و به طور کلی، آنچه در شعر امروز شاهد هستیم، زبان شسته‌رفته است. البته فروغ یادآور می‌شود که چنین ایرادی بر آثار اولیه او نیز وارد است و با توجه به انتقادی که از شعر امروز مطرح کرده است، اشعار اندکی را از سه دفتر اول خود می‌پسندد [۱۳]. او اعتقاد دارد شعرهایی که فقط ظریف، شفاف و زیبا هستند، متعالی نیستند. این آثار بیشتر حالت تفنن دارند تا خلاقیت [۹].

باور فرخزاد این است که نباید کلمه‌ای را تنها به دلیل نداشتن سابقه شعری، از شعر خود کنار گذاشت. او آگاه است که ملاحظه‌کاری‌ها و فریب‌ها سبب ناهماهنگی زبان شعر امروز با زندگی می‌شود. فروغ فرخزاد به این نتیجه رسیده است که باید تنوعی در واژگان شعر ایجاد کرد و کلماتی را پسندید که با حس شعر امروزی و مسائل جدید هماهنگ باشند [۱۳]. او اظهار می‌دارد که برای شعر امروز، تنها فصاحت کافی نیست. باید از زبان جان‌دار استفاده کرد که عریان، بی‌رحم و هماهنگ با امور جاری در لحظات زندگی امروز باشد. اعتقاد او این است که باید مفهومی انسانی‌تر برای کلمات جدید قائل شد و ذوق و ادراک مخاطبان را برای این مفاهیم افزایش داد و اگر زبان در ارتباط تنگاتنگ با زندگی است، باید مانند زندگی، گهگاه زشتی‌ها و ناهنجاری‌هایی هم داشته باشد؛ زشتی‌هایی که به زندگی جان می‌بخشد. تنها در این صورت است که می‌توانیم با شعری در صمیمی‌ترین و صادقانه‌ترین حالت خویش مواجه شویم [۱۳].

۴.۲.۴. وزن شعر امروز:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فروغ فرخزاد خطاب به شاعران معاصر خود، اظهار دارد که فرم کار هر شاعری به زبان، ایده و دنیایش بستگی دارد و وزن، بهترین آهنگ و شکل برای احساسات و افکار است [۱۱]. به اعتقاد او، وزن مثل نخی، از میان کلمات عبور می‌کند، اما دیده نمی‌شود. اگر کلمه‌ای در وزن نمی‌گنجد، ایجاد گره در نخ می‌کند و با ورود گره‌ها می‌شود به نوعی از هماهنگی دست یافت. نیما نیز همین کار را کرده است [۹]. تأکید فروغ این است که آنچه سبب دست‌کاری در وزن شعر و توسعه و تغییر آن می‌شود، واقعیات زندگی امروز و مسائل جاری در آن است. بسیاری از افراد، دست به کوتاه و بلند کردن مصراع‌ها زده‌اند، اما همان روحیه سنتی شعر را حفظ کرده‌اند و به سراغ حقایق زندگی نرفته‌اند. شاعر زمان، کسی است که بتواند مسائل امروزی را وارد شعر خود کند و اثر خود را بازتابی از دردها، اضطراب‌ها، فریادها و احساسات زندگی کنونی سازد [۱۳].

فرخزاد در سخنان خود اصرار دارد که وزن نباید از زبان فارسی خارج شود. به باور او، وزن باید کلمات را به هم مربوط سازد و اگر کلمه‌ای خارج از وزن است، همین سکنه منجر به ایجاد وزنی جدید می‌شود، اما باید وزن زمانه و ریتم زمانه را شناخت؛ زیرا وزن‌های قدیم، قاتل حس‌های امروزی هستند [۹]. او بی‌وزنی را قبول ندارد و شعر بی‌وزن را فاقد نظم و چهارچوب می‌داند [۹]. فروغ معتقد است که کار هنری کامل، حاصل آمیختگی محتوا و قالب است و نمی‌توان آن را تغییر داد؛ در حالی که شعر سپید همواره برای هر تبدیلی، آمادگی نشان می‌دهد. این اشعار برای اینکه شعری پذیرفته شده تلقی شوند، باید با وزن همراه شوند. البته او بسیاری از شعرهای ظاهراً ناموزون را، شعرتر از موزون‌های ظاهراً شعر می‌داند. شعرهای بی‌وزن شاملو در *باغ آینه*^۲ و *هوای تازه*^۳، مثالی در این زمینه هستند. این آثار تابع وزن‌های متداول در شعر نیستند، اما قالبی منظم و مشخص (لازمه هر کار هنری) دارند [۱۳].

۳.۴. فروغ و شعر خویش:

فروغ فرخزاد از ارزشی که برای شعر قائل است سخن می‌گوید و خود را با سرایش شعر، خوش‌بخت می‌داند [۱۳]. شعر برای او، مسئولیتی در قبال وجود خود و پاسخی به زندگی خویش است. احترامی که او برای شعر قائل است، احترامی است که انسان مذهبی به مذهبش می‌گذارد [۹]. احتیاجی شدید، فرخزاد را به شعر گفتن می‌کشاند. او درد و رنج خود را بیان می‌کند و تسلی خود را در شعر جست‌وجو می‌کند. فروغ اعتراف می‌کند که نمی‌تواند پیوند خود را با شعر و هنر بگسلد و شعر نگوید [۵]. به نظر او، علت کار هنری در حالتی کلی، نیاز ناآگاهانه به ایستادگی در برابر زوال است. کار هنری مساوی است با تلاشی برای باقی ماندن یا باقی گذاشتن خود و نفی معنای مرگ. فرخزاد شعر می‌گوید؛ پس هست و به زندگی ادامه می‌دهد [۹].

فروغ فرخزاد تأکید دارد که در اشعارش فلسفه خاصی را پیگیری نمی‌کند و فقط قضایا را با دیدی مخصوص می‌بیند؛ مثلاً به باور او، غربت، مرگ نیست و می‌تواند مرحله‌ای برای شروع مجدد زندگی باشد. او از ما می‌خواهد که انعکاس‌های مختلف یک حس را درک کنیم و پیرامون موضوعات گوناگون، به دیدی یگانه متوسل نشویم [۹]. منطق حس فرخزاد، مطابقتی با یک جریان فلسفی یا سیاسی خاص ندارد و تنها، ذهن اندیشمند و مترقی فروغ است که سبب دید متفاوت او می‌شود [۱۲]. او از خویش به عنوان شاعر امروزی انتظار دارد که در اثر تمرین و تکرارهای بسیار، شعرش حاصل حس‌ها و دریافتهایی باشد که به وسیله تفکر، تربیت و رهبری شده‌اند؛ زیرا یقین دارد آگاهی

^۲ دفتر شعر احمد شاملو که در سال ۱۳۳۹ به چاپ رسید.

^۳ مجموعه شعر احمد شاملو که در سال ۱۳۳۶ منتشر شد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شاعر، منجر به سادگی، بی‌ادعایی و زیبایی تفکرات شعری‌اش می‌شود [۹]. تلاش فروغ این بوده است که پس از کسب تجربه‌ها، به آثاری غیر تصنعی و غیر تقلیدی دست پیدا کند و اصالت و صمیمیت را دو همزاد شعر خویش سازد [۴].

فروغ فرخزاد در دوره نخست شاعری خود (سه دفتر اول)، از نظر زبانی تمایز خاصی نسبت به پیشینیان خود نداشت، اما بررسی‌هایی در خصوص شعر انجام داد و تمایل داشت توسعاتی در زبان شعر صورت گیرد. فروغ لازم دید لفاظی‌ها و به رخ کشیدن وزن شعر متوقف شوند و این موارد، تنها به صورت ذات شعر، پنهان در شعر بمانند. تلاش او این بود که شکل ذهنی، زیر بار کلمات اضافی خرد نگردد. علی‌رغم این سادگی‌ها در زبان شعر فرخزاد، تقلید از شعر او به آسانی صورت نمی‌گیرد. او پس از تمرین بسیار و عبور از سنگلاخ‌های طاقت‌فرسای شکل ظاهری، به زبان سهل و ممتنع خاص خویش دست یافت [۲].

۱.۳.۴. نوآوری فروغ در وزن شعر:

فروغ اعتقاد دارد که با انتخاب زبان شعری، کلمات نیز وارد شعر می‌شوند؛ آنگاه باید به وزن پرداخت. او درباره وزن شعر، خود را پیرو نیما می‌داند و تصریح می‌کند که آثار نیما را مطالعه کرده، با فضای شعری و چهارچوب اشعار او روبه‌رو شده و تازگی‌های وزنی آثار او را دریافته است [۹]. فرخزاد در ابتدای کار، اشعار کاملاً موزون سرود تا تسلط روی کار پیدا کند. او موسیقی کلام را می‌شناخت، گوش حساسی داشت و سه دفتر اول او، حاکی از توانایی او در سنتی‌سرایایی بود [۱۵]. دوره بعدی، دوره تغییر نگاه فروغ به وزن شعر بود. او وزن شعر را به وزن گفتار نزدیک و شعر خود را به شعر گفت‌وگو بدل ساخت. این عمل فرخزاد، از مهم‌ترین ابتکارات شعر معاصر است. او به وزنی معتقد شد که نزدیک به آهنگ حرف زدن است. او زمانی که شعر می‌گوید، وزن هم همراه شعر او است و جایی که نیاز باشد، وزن کنار می‌رود یا دچار سکت می‌شود؛ چون کلمه مهم‌تر از وزن است. فروغ می‌گوید که مکث و توقف، در حرف زدن معمولی وجود دارد و این مورد در شعرش نیز مراعات می‌شود. اصلاً او باور دارد که وزن یک امر غریزی‌ست. فرخزاد ترتیب کلمات را رعایت می‌کند و آن را به خاطر وزن، دستخوش تغییر نمی‌کند. او شعری با ریتم مشخص تکرار شونده را مطلوب نمی‌داند [۱۱].

۲.۳.۴. تلقی فروغ از شعر:

فروغ در صحبت از قطعه شعری «تولد دیگری» تأکید دارد که محتوا مهم است و اگر آماده باشد، مسئله زبان حل می‌شود. زبان هم وزن را به همراه خواهد آورد [۹]. او در رابطه با آثاری مثل شعر «آیه‌های زمینی» اعتقاد دارد که دنیای مجرد انسان باید نتیجه تماس همیشگی او با دنیای خود باشد و نه پناه بردن به اتاق در بسته. شعر از زندگی به وجود می‌آید و باید حتی دردناک‌ترین لحظات زندگی را نیز تجربه کرد؛ البته با هوشیاری و انتظار هر برخورد نامطبوع. به نظر فرخزاد، همه لحظات زندگی ستایش‌آمیز نیستند و باید لحظات منفی را هم ببینیم؛ جای آنکه زندگی را به صورت پوچ بستاییم. این شعر، ترجم‌آمیز و توصیف فضای زیست انسان‌هاست. این فضا، انسان را به طرف زشتی‌ها و جنایت می‌کشاند، اما حس درک زیبایی هنوز در بشر نمرده است؛ فقط دیگر باور نمی‌کند [۹].

کاربردی که فروغ فرخزاد برای شعر خویش قائل است، از مطالب شایان توجه در بررسی اشعار اوست. او در طی سال‌های شاعری خود، به کارکردهای شعر در جامعه واقف می‌شود و در دفترهای شعری او می‌توان تحولاتی را در این زمینه مشاهده کرد. هم‌چنین، فرخزاد در چند اثر خود، دلیل سرایش شعر را اظهار می‌دارد و از ارتباط میان شعر و شاعر سخن می‌گوید. او در نخستین سال‌های شاعری خود، دیدی فردی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

و احساسی به شعر دارد، آثار خود را منعکس کننده حالات روحی خود می‌سازد و فارغ از جنبه‌های انسانی و اجتماعی شعر، توجه به من فردی دارد. فروغ در «دیدار تلخ» از دفتر *اسیر*^۴، شعر را شعله احساس می‌داند که آتش آن، از حس‌ها و حالات درونی شاعر زبانه می‌کشد:

شعر من شعله احساس من است

تو مرا شاعره کردی ای مرد [۱۰]

او در «آرزو» از دفتر *دیوار*^۵، از مخاطب خود می‌خواهد که شعر را افشاکننده عواطف فروغ بداند و شعله رازش را در شعر ببیند:

کاش در شعر من ای مایه عمر!

شعله راز مرا می‌دید [۱۰]

فرخزاد در «شعری برای تو» از دفتر *عصیان*^۶، شعر را چکیده درد و غم و احساسات خود می‌پندارد که مخاطب قادر خواهد بود، او را درون سخن‌هایش بیابد. او شعر را تجلی عواطف خود در گذر زمان می‌داند:

روزی رسد که چشم تو با حسرت

لغزد بر این ترانه دردآلود

جویی مرا درون سخن‌هایم

گویی به خود که مادر من او بود [۱۰]

اشعار سه دفتر اول فروغ، آثاری زنانه و «زن‌باورانه» بودند، اما به تدریج، مسائل و دل‌مشغولی‌های زنانه جای خود را به سخن پیرامون مفهوم انسان دادند و نوعی احساس مسئولیت اجتماعی، جزئی از شعر او شد [۱۶]. *تولد دیگری*^۷، نه تنها دگرگونی‌ای در او، بلکه تحولی در شعر نو به سمت شعر مدرن دنیا و مجالی برای ظهور نوآوری‌های فکری فروغ بود [۷]. او در این کتاب، اشعاری برآمده از درون فضای جامعه و همراه با محتوای اجتماعی و بشری می‌سراید و از اضطراب‌ها، امیدها و یأس‌ها و مسائل حاکم بر اجتماع سخن می‌گوید. فرخزاد در شعر «آیه‌های زمینی»، تصویرگر فضای رخوت و انجماد در اجتماع است و باور دارد که نمی‌توان از فضایی که روشنفکرانش هم به رکود دچار شده‌اند، انتظار تغییر و تحول داشت. وارونگی ارزش‌ها رخ داده است، دیگر زندگی برای مردم اهمیت ندارد و یأس و تاریکی بر سرزمین حاکم شده است. او این واقعیت‌ها را دیده و نمی‌تواند انکار کند:

مرداب‌های الکل

^۴ نخستین مجموعه شعر فروغ فرخزاد که در سال ۱۳۳۱ منتشر شد.

^۵ دومین دفتر شعر فروغ فرخزاد که در سال ۱۳۳۶ به چاپ رسید.

^۶ سومین مجموعه شعر فروغ فرخزاد که در سال ۱۳۳۸ به چاپ رسید.

^۷ چهارمین کتاب شعر فروغ فرخزاد که در سال ۱۳۴۲ به چاپ رسید.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

با آن بخارهای گس مسموم

انبوه بی تحرک روشنفکران را

به ژرفنای خویش کشیدند...

خورشید مرده بود

خورشید مرده بود و فردا

در ذهن کودکان

مفهوم گنگ گم شده‌ای داشت [۱۰]

فرخزاد در شعر «ای مرز پر گهر»، فضای سنتی حاکم بر ادبیات را نمی‌پسندد و شاعران کلاسیک را مورد سرزنش قرار می‌دهد:

با اولین نگاه رسمی‌ام از لای پرده، ششصد و هفتاد و هشت شاعر را می‌بینم

که حقّه‌بازها همه در هیبت غریب گدایان

در لای خاک‌روبه، به دنبال وزن و قافیه می‌گردند [۱۰]

او با طنزی گزنده، نه تنها محیط ادبی، که فضای حاکم بر کلیت جامعه را نقد می‌کند؛ جامعه‌ای که دم از شکوه گذشته خود می‌زند، اما بدیهی‌ترین حقوق شهروندانش نیز با دشواری حاصل می‌شود:

فاتح شدم

خود را به ثبت رساندم

خود را به نامی در یک شناسنامه مزین کردم

و هستی‌ام به یک شماره مشخص شد

پس زنده باد ۶۷۸ صادره از بخش ۵ ساکن تهران [۱۰]

فروغ با نگاه وسیع‌تر به بشر و هستی، به روشنفکری متعهد و با ثبت حوزه‌های تجربی گسترده‌تر، به شاعری دقیق بدل می‌شود. او حیات شعری مسئولانه را برمی‌گزیند و سعی در پاسخ به اخلاق حرفه‌ای خود دارد [۱۴]. فرخزاد به تدریج، به پختگی در اندیشه و مضمون دست می‌یابد و شعر را فریاد زمانه و همصدا با دردهای روزگار می‌سازد. در این دوران است که از نقش تغزلی اشعارش کاسته می‌شود و اثر او،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مسئولیتی اجتماعی بر عهده می‌گیرد. او در «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» در دفتری به همین نام^۱، می‌خواهد از فضای سرد حاکم بر جامعه، یأس و ناامیدی بگوید:

در آستانه فصلی سرد

در محفل عزای آینه‌ها

و اجتماع سوگوار تجربه‌های پریده‌رنگ

و این غروب بارور شده از دانش سکوت... [۱۰]

و نیز:

ایمان بیاوریم

ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد

ایمان بیاوریم به ویرانه‌های باغ‌های تخیل

به داس‌های واژگون شده بیکار

و دانه‌های زندانی... [۱۰]

تلاش او این است که به جای انتظار برای ورود منجی به عرصه، قهرمان‌سازی کند:

نجات‌دهنده در گور خفته است [۱۰]

اشعار فرخزاد در دو دفتر آخر، عالی‌ترین نمونه گسست از سنت را در عصر او ارائه می‌دهند و صورت و معنی، در اثر او مدرن هستند [۶]. در این شعرها می‌بینیم که او از تغزل سه دفتر ابتدایی خود فاصله گرفته و به تحول در فرم و محتوای شعر رسیده است. روی هم رفته، فروغ در تولدی دیگر و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، با مشاهده انحطاط جامعه و زوال انسان، زبان گویای اجتماع می‌شود و شعر خویش را برخوردار از سطح بالایی از حقیقت‌بینی می‌سازد [۳]. فرخزاد از میان اشعار دو دفتر آخر خود، ده قطعه را برای چاپ در کتاب *از نیما تا بعد: برگزیده‌ای از شعر امروز ایران*^۲ انتخاب کرده است: «عروسک کوکی»، «تنهایی ماه»، «مرداب»، «در غروبی ابدی»، «وهم سبز»، «فتح باغ»، «پرنده فقط یک پرنده بود» و «تولدی دیگر» از دفتر *تولدی دیگر* و «پنجره» و «دل‌م برای باغچه می‌سوزد» از *ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد* [۸].

^۱ آخرین دفتر شعر فروغ فرخزاد که در سال ۱۳۵۲ انتشار یافت.

^۲ مجموعه‌ای از اشعار معاصر به انتخاب فروغ فرخزاد، که پس از مرگ او و به همت مجید روشنگر به چاپ رسید.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۴.۴. فروغ و شاعران معاصر:

فروغ در مصاحبه‌های خویش، شاعرانی را الگوی خویش قرار داده و به‌ترتیب، حمیدی، نادرپور، مشیری، سایه، لاهوتی و گلچین گیلانی را نام می‌برد. سپس اشاره می‌کند که متوجه مسائل تازه‌ای شده که شاملو به آن‌ها سامان داده است و نهایتاً از نیما یاد می‌کند که سلیقه قطعی او را ساخته است [۹].

فرخزاد پس از دقت و تعمق در شعر نیما، آن را دارای کمال انسانی و فارغ از احساسات سطحی یافت و در ورای سادگی شعرش، با پیچیدگی‌های زندگی برخورد کرد. فروغ باور جدی دارد که نیما چشم او را به شعر باز کرده و وسعت نگاه را به او آموخته، اما دیدن را خودش یاد گرفته است. البته انکار نمی‌کند که پس از مطالعه اشعار نیما نیز شعرهای نه‌چندان خوب گفته است و نیاز به رشد داشته است. او فرم و زبان نیما را صرفاً تقلید نکرده است، بلکه این راه را زندگی کرده است [۹].

فروغ فرخزاد در بعضی موارد مثل وزن، با سلیقه‌های شعری شاملو موافق نیست، اما حسن عظیم شاملو را این می‌داند که او برای خود شعر می‌گوید، اما خواننده حس می‌کند که در ایده شعر سهیم است؛ در واقع، شعر شاملو به ابعاد مختلف زندگی و امور جاری در سرزمین ما مربوط می‌شود. در سوی دیگر، شاعری که هیچ نوع رابطه‌ای با اجتماع و محیط زندگی خویش ندارد، دنبال رضایت‌های کوچک است. چنین فردی در همان مرحله اول کار، که انسان واقعاً برای خودش شعر می‌گوید، می‌ماند [۱۱]. فرخزاد خود را وامدار «شعری که زندگی‌ست» می‌داند. به باور او، این اثر به‌خوبی نشان می‌دهد که اکنون، شعر باید بازگوکننده چه موضوعاتی باشد. شاملو در این شعر بیان می‌دارد که در گذشته، چیزی از مسائل مهم زندگی در شعر منعکس نمی‌شد، اما در شعر امروز، باید سخن از درد مردم و موضوعات اجتماعی باشد. علاوه بر آن، شاملو بحث هماهنگی وزن و واژگان را نیز مطرح می‌کند و اعتقاد دارد که وزن، کلمه و قافیه را از زندگی می‌گیرد. فروغ اذعان می‌کند که «شعری که زندگی‌ست»، تأثیر بسیاری بر نظرات شعری او داشت و فرخزاد به کمک این شعر فهمید که امکانات زبان فارسی بسیار زیاد است؛ البته باید این زبان را کشف و تجربه کرد [۹].

اخوان دیگر شاعری‌ست که فرخزاد، شعر او را می‌ستاید؛ هر چند، به علت عقاید شخصی، با زبان شعری اخوان موافق نیست. فروغ، شعر اخوان را اندوه پر شکوهی می‌داند که خبر از زوال امیدهای سرشار از باور و یقین می‌دهد و نشان‌دهنده ملت و خصوصاً روشنفکران ایرانی‌ست که به یاسی عظیم دچار شده‌اند و به خواسته‌های اجتماعی خویش دست نیافته‌اند. شعر اخوان از دید فروغ فرخزاد، انعکاس تنگناها و تلاش‌های نسلی‌ست که ناگهان، فریب خورده است. او از آرزوی شریف سخن می‌گوید و احساس‌هایش نیرویی شگفت دارند [۱۳]. اخوان توانست به سنت‌های زبان پای‌بند باشد و کلمات شعرش را با محیط خود سازگار سازد [۱۳]. باور فروغ این است که اخوان در ردیف نیما و شاملو قرار می‌گیرد و زبان شعر او، حالت زبان شعر سعدی را دارد. اخوان کار سختی انجام داده و از کلمات ریشه‌دار زبان، در کنار کلمات متداول بهره برده است؛ به گونه‌ای ماهرانه و صمیمانه، که کسی متوجه نمی‌شود (مثل کاری که سعدی با کلمات عربی کرد). این، ظاهر شعر اوست. شعر اخوان از نگاه فرخزاد واجد فرم است، از زبان جالفتاده و شکل‌گرفته به‌خوبی بهره می‌برد و علاوه بر این‌ها، محتوای قابل تعمق، فضای فکری و دید دارد. تنها عیب او این است که گاهی مسحور توانایی خود در بازی با کلمات می‌شود [۹].

فرخزاد اشاراتی نیز به کار سایر معاصران خویش دارد و نکاتی را در این خصوص بیان می‌کند. او سپهری را به سبب صحبت از زندگی و انسان، به صورتی کلی و جهانی، وسیع و شعرش را دارای وزنی مختص به خود او می‌داند [۹]. به عقیده فروغ، اشعار آتشی منحصر در جغرافیای خودش [۹] و اشعار تمیمی ساده و همراه با زبان سست و حرف‌های بی‌ریشه هستند [۹]. او برای بررسی‌هایی که م. آزاد روی وزن

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شعر انجام داده است، اهمیت قائل است [۹] و شعر جلالی و احمدی را بی‌نیاز از وزن قلمداد می‌کند [۹]. فرخزاد در خصوص آثار احمدی، اولویت را به واژگان می‌دهد و از او می‌خواهد تا فرم شعری خود را پیدا کند و به تمرین وزن بپردازد [۱]. نادرپور در این میان، از جانب فروغ به محافظه‌کاری، حساسیت در برابر عقاید مخاطبان اشعار خود و توقف در محتوا و فرم، علی‌رغم تصویرسازی‌های خوب، متهم می‌شود [۹].

هم‌چنین، گلچینی از اشعار معاصر به انتخاب فروغ فرخزاد در کتاب *از نیما تا بعد: برگزیده‌ای از شعر امروز ایران* موجود است. می‌توان با مطالعه این اثر و بررسی تعدادی از اشعار موجود در آن، به وجوه مورد نظر فروغ جهت گردآوری اشعار منتخب دست یافت. ساختار کلی کتاب به شرح زیر است:

بخش اول: اشعاری از نیما یوشیج، بخش دوم: اشعاری از شاملو، اخوان و فروغ، بخش سوم: اشعاری از م. آزاد، آتشی، تمیمی، رؤیایی و حقوقی، بخش چهارم: اشعاری از سپهری، جلالی و احمدی و بخش پنجم: اشعاری از نادرپور [۸].

۵. نتیجه‌گیری:

می‌توان در میان آثار برجای‌مانده از فروغ فرخزاد، به دیدگاه‌های او در خصوص شعر و شاعری دست یافت. شعر در ذهن فرخزاد، اثری هنری، حسی تجربه‌شده و پنجره‌ای برای ایجاد ارتباط با جهان و وجود است. او با در نظر گرفتن این موارد، شاعر را فردی می‌داند که پس از تجربه‌ها و نتیجه‌گیری‌ها، به وقوف بر مسائل خویش، و احساس و بینشی در خصوص حیات و اندیشه دست یافته است. به باور او، شاعری قادر است یاری‌دهنده شعر در مسیر کمال باشد که بتواند به میزان کافی از ذخیره‌های فکری و روحی خود بهره‌مند گردد. آرای فروغ پیرامون مختصات شعر امروز و معایب و مزایای آن، سازنده بخش دیگری از این بحث هستند. انتظاری که او از شعر امروز دارد، بیان صمیمانه و عاری از دروغ مسائل زندگی‌ست؛ بی‌آنکه در این میان، فرم یا قالبی را ارجح بدانیم یا با دخالت جنسیت در سنجش ارزشمندی کار ادبی، با رکود و توقف مواجه شویم. فرخزاد نکات منفی شعر امروز را اتکای شاعر به نظرات دیگران، ملاحظه‌کاری‌ها و فراموشی رسالت اجتماعی و سعی در زیباسازی صوری شعر برمی‌شمارد، اما رهایی از کلی‌گویی و تمایل به مفهوم اصلی شعر را محاسن شعر امروز می‌داند. او در خصوص زبان شعر امروز که ملاحظه‌گر و غیر خلاقانه است، از شاعران می‌خواهد که آثار خویش را از محدودیت‌های واژگانی و نحوی آزاد، و تناسبی میان زبان شعر و تجربیات خود ایجاد کنند. فروغ باور جدی به تأثیر واقعیات حیات بر انعطاف و تغییر وزن شعر امروز دارد و وزن را همچون نخی می‌داند که از میان واژگان عبور می‌کند. دیدگاه‌هایی که فروغ فرخزاد در حوزه نظر بیان می‌کند، در دیوان اشعار او نیز قابل پی‌گیری و بررسی هستند. او در اشاره به اشعار *تولدی* دیگر، تأکید بسیاری بر محتوا دارد و آمادگی آن را، شرط دستیابی به زبان و وزن مناسب می‌داند. فرخزاد در بحث از تعهد و واقع‌بینی در قطعۀ «آیه‌های زمینی»، باور دارد که شعر از زندگی مایه می‌گیرد و باید حتی دردناک‌ترین لحظات را نیز با هوشیاری تجربه کرد. او در طی سال‌های شاعری خود، سعی دارد بر کارکردهای شعر واقف شود و این امر را در اشعار خود نیز هویدا می‌سازد. فروغ که ابتدا در *اسیر*، *دیوار* و *عصیان*، تجربیات رمانتیک و کاملاً شخصی خویش را مایه شعر تغزلی می‌سازد و شعر را «شعله احساس» و افشاکننده عواطف خود می‌داند، به تدریج به تحولی در محتوای اشعار دست می‌یابد. او مسئولیتی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اجتماعی برای شعر قائل می‌شود و حقایق جامعه را بیان می‌کند. او در قطعه «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد»، شعر را بازتاب دردهای اجتماع می‌سازد و ناامیدی مسلط بر جامعه را گوشزد می‌کند. فرخزاد نکاتی را نیز در خصوص ذهن و زبان شاعران همعصر ذکر می‌کند، به بیان برداشت خود از اشعار آنان می‌پردازد و بیشترین توجه را به نیما، شاملو و اخوان اختصاص می‌دهد. او که در ابتدا حمیدی شیرازی و نادرپور را الگوی خویش در امر شاعری قرار داد و سپس با مشیری، سایه، لاهوتی و گلچین گیلانی آشنا شد، شعر خود را متأثر از فضای فکری نیما، زبان شاملو و محتوای عمیق اخوان می‌داند. فروغ به تصریح خویش، دید شعری را از نیما آموخته است و فرم و زبان او را تمرین کرده است. فرخزاد در کنار نیما، احترام شایانی برای شاملو قائل است و شعر او را، به سبب زیستن در بطن حوادث، گزارشی حقیقی از جامعه به حساب می‌آورد. او از اخوان نیز سخن می‌گوید و شعرش را پای‌بند به سنت‌های زبان، واجد فرم، زبان جالفتاده، محتوای عمیق و فضای فکری می‌داند. فروغ فرخزاد علاوه بر مباحث یاد شده، با گردآوری اشعار منتخب از شاعران معاصر خود، به نحوی دیگر، دیدگاه‌هایش را در قبال شعر امروز به خوانندگان شعر معرفی کرد. او در کتاب *از نیما تا بعد: برگزیده‌ای از شعر امروز ایران* که مشتمل بر پنج بخش و حاوی آثاری از نیما، شاملو، اخوان، فروغ، م. آزاد، سپهری و دیگران است، سلیقه شعری خود را نمایان ساخته است.

۶. منابع:

۱. اسماعیلی، امیر و ابوالقاسم صدارت (۱۳۴۷). *جاودانه فروغ فرخزاد*، تهران: مرجان، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.
۲. براهنی، رضا (۱۳۵۸). «تأملاتی پیرامون شعر و نثر»، *مجله نگین*، ش ۱۶۸، تیر، ص ۴۶.
۳. _____ (۱۳۸۰). *طلا در مس (در شعر و شاعری)*، تهران: زریاب، ج ۱، ص ۲۷۷.
۴. زرین کوب، حمید (۱۳۵۸). *چشم‌انداز شعر نو فارسی*، تهران: توس، ص ۲۱۱.
۵. سیاه‌پوش، حمید (۱۳۷۶). *زنی تنها: یادنامه فروغ فرخزاد*، تهران: نگاه، ص ۱۶۶.
۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). *با چراغ و آینه: در جست‌وجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران*، تهران: سخن، صص ۵۶۷ و ۵۶۸.
۷. شمس لنگرودی [محمدتقی جواهری گیلانی] (۱۳۷۸). *تاریخ تحلیلی شعر نو*، تهران: مرکز، ج ۳، ص ۱۰۷.
۸. فرخزاد، فروغ (۱۳۷۷). *از نیما تا بعد: برگزیده‌ای از شعر معاصر ایران*، به اهتمام مجید روشنگر، تهران: مروارید.
۹. _____ (۱۳۵۵ [ش]). *حرف‌هایی با فروغ فرخزاد، چهار گفت‌و شنود*، تهران: مروارید.
۱۰. _____ (۱۳۸۲). *مجموعه اشعار فروغ فرخزاد*، تهران: نگاه.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۱۱. کاخی، مرتضی (۱۳۸۴). *گفت‌وگوی شاعران*، تهران: زمستان.

۱۲. مختاری، محمد (۱۳۷۸). *انسان در شعر معاصر*، تهران: توس، ص ۵۶۱.

۱۳. مرادی کوچی، شهناز (۱۳۷۹). *شناخت‌نامه فروغ فرخزاد*، تهران: قطره.

۱۴. هیلمن، مایکل (۱۳۹۷). *زنی تنها: زندگی و شعر فروغ فرخزاد*، ترجمهٔ تینا حمیدی، تهران: هنوز، ص ۱۷۰.

۱۵. یعقوبی جنبه‌سرایبی، پارسا، سیدمحسن حسینی مؤخر و شادی احمدی (۱۳۹۸). «تلقی‌های بوطیقایی فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی؛ متنی و فرامتنی»، *مجلهٔ شعر پژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز*، ش ۱، بهار، ص ۱۸۸.

16. Milani, Farzaneh. «*Forugh Farrokhzad: A Feminist Perspective*», Ph.D. dissertation, University of California, Los Angeles, 1979, p. 117.